



## دکتر فتحی شقایی شهید اسلام بود...

آیت الله سید محمد حسین فضل الله، از علمای برجسته لبنان:

رهبری بود که بر تمام حرکت اسلامی وقوف داشت. او به عالی ترین نوع بیداری انقلابی - اسلامی یعنی به انقلاب ایران به رهبری امام خمینی (ره) گرایش داشت که در وجود حضرت امام انسانی را مشاهده کرد که تمام وجودش را اسلام در بر گرفته بود، از این رو همراه و همگام با او مسأله فلسطین در رأس برنامه ها بود و حرکت جهاد اسلامی با توجه امام و کمک یاران و پیروانش توانست در میدان نبرد و جهاد با رژیم صهیونیستی گام بسیار بزرگی بردارد تا جایی که اسرائیل از حرکت انقلابی وحشت کرد و استکبار جهانی از صلابت و استواری آن به وحشت افتاد و تمام هم پیمانان او در منطقه از فریاد آزادی خواهی او در سخنرانی های سیاسی و جهادیش به وحشت افتادند. به طور دائم سفر می کرد و به خاطر اسلام و مسلمین، از نقطه های به نقطه ای دیگر حرکت می کرد. می خواست تجربه خودش را به دیگران منتقل کند و از تجربه دیگران استفاده نماید. ما از این که رژیم صهیونیستی و قدرت های استکباری جهان بر او کمین کنند او را مورد حمله قرار دهند، می ترسیدیم. آنچنان غرق مسائل جهان اسلام و به خصوص فلسطین بود که از خطرهایی که او را تهدید می کرد، غافل بود.

تمام هم و فکر او، اسلام و مسلمین بود و این چنین بود که در راه آزادی فلسطین، شهید شد و سرزمین فلسطین از خون او سیراب شد، تا حالت جهاد در فلسطین حفظ شود و اسلام این شهید را در راه رسیدن به پیروزی و فتح قریب پذیرا شد.

فتحی شقایی با شهادت خویش، حق قضیه فلسطین را ادا کرد و تاریخ جدیدی را برای اسلام تثبیت نمود و با شهادت خویش، قهرمانی را به امت اسلامی تحویل داد.

پیوسته یاد و بزرگداشت او همراه با دغدغه و بحث از آغاز مرحله جدیدی از حرکت اسلامی بود. تمام یارانش در داخل حرکت و خارج از آن، راه و روش او را چه از لحاظ فکری و روحی و حرکتی و در حال پیروزی یا شهادت، به خاطر اسلام در فلسطین ادامه می دهند.

او با ما باقی می ماند و با ما زنده می ماند و همه ما در امتداد او قضیه فلسطین را در حرکت اسلام زنده نگه می داریم. فلسطین آزاد خواهد شد اگر چه مدتی طول بکشد.

محبت تو در دل ما جای دارد، عالی ترین درجه شهادت نصیب تو شد آنچه که بر ماست این است که با پیروز شویم یا به شهادت نائل شویم. ■

تمام هم و غم او اسلام بود و اسلام او فقط در فلسطین خلاصه نمی شود، بلکه فلسطین یکی از موضوعات مهم اسلامی محسوب می شود. او با تمام وجود در قضیه فلسطین و چالش های کنونی و تاریخ آن و چشم اندازهای آینده آن نمود می کرد و به واقعیت حرکت سیاسی در مسائل منطقه می پرداخت، به طوری که این حرکت محور تمام مسائل و حوادث خونبار و سخت انقلاب فلسطین و مرکز آلام ملت فلسطین می باشد. این حرکت برای خودش راه و شیوه ای مستقل را در بر می گیرد که در قالب حرکت های اسلامی سنتی نمی گنجد که از آنها تقلید نماید، بلکه عناصر زنده و فعال مبارزاتی آنها را بر میگزیند که پویایی و استمرار این حرکت و حیات آن را با توجه به تجربه مبارزاتی آنها و تجارب جدید، در طول زمان تأمین نماید که عنوان آن جهاد می باشد و بسیاری از پیروزی ها و حرکت های انقلابی تاریخ اسلام و شکست ها و بحران ها و خونریزی های آن را شامل می شود. او با کلمات اسلامی و اصطلاحات اسلامی آشنایی داشت. برای این که بیداری و اندیشه و حرکت انقلابی او ناشی از تسلیم در برابر بیداری و شناخت الهی بود. او بر خلاف کسانی بود که مبارزه و برخورد را جایگزین فریضه جهاد کرده بودند.

این حرکت انقلابی در بین توده مردم و خواص مردم در وجود

سرسنن شقایی



تمام هم و فکر او، اسلام و مسلمین بود و این چنین بود که در راه آزادی فلسطین شهید شد و سرزمین فلسطین از خون او سیراب شد.

با حمد و ستایش خداوند و با سلام به بندگان برگزیده اش. از زمانی که او را شناختم او را در قالب یک انسان مسلمان که دغدغه شناخت و معرفت در سرتاسر وجودش زیانه می کشید شناختم که این دغدغه شناخت را می توانستم در اندیشه، موضع گیری ها و صلابت و استواری رای و نظرش، گرایش وجودش به هر چیزی که با اسلام، به عنوان پایگاهی برای اندیشه و عاطفه و حرکت انقلابی و حیات، ارتباط داشت، مشاهده کنم. دغدغه و نگرانی، به او یافته های جدید از اندیشه اسلامی ارائه می کرد. او در فکر تجدید اسلام آن گونه که دیگران در مورد آن سخن می گفتند، نبود. برای این که اسلام، نو و جدید باقی می ماند و با گذشت زمان، طراوت و شادابی آن معلوم می شود و گذشت زمان باعث کهنگی آن نمی شود. روح حیات انسان باید حیات واقعی و متجددی باشد که تمام آنچه را که در اطرافش است، در یک عملیات و اقدام دگرگون سازد که از ریشه های اصلی خویش دور نشود و از راه مستقیم هم خارج نرود. او در این اندیشه، فهمی نو و جدید از کتاب و سنت و مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی ارائه می کرد، به این دلیل که فهم برداشت گذشتگان حقیقت مطلق نمی باشد، بلکه دیدگاه و نظر شخصی است که برداشت شخص محقق را از عناصر فرهنگی آن زمان نشان می دهد و فرصت و زمینه را برای فهم بیشتر و اجتهاد بیشتر از یک محقق فراهم می آورد. او این چنین می خواند و خواندن او، خواندن خطوط و کلمات نبود بلکه او انسان و شخصیتش را می خواند و مورد مطالعه قرار می داد تا در هر انسانی که او را می یابد، معرفت جدیدی را به دست آورد که این معرفت در الگوها و خصایص فکری و اندیشه ای و موضع گیری های او نمایان است. همان طور که به کتاب حیات و زندگی روی می آورد تا آفرینش خداوند و حرکت حیات در مسائل مربوط به آن را مورد بررسی و تعمق و صحنه برخورد در چالش های آن را مورد مطالعه قرار دهد.

جنبش جهاد اسلامی نتیجه کلی آن بود، چراکه او خواهان شناختی از اسلام بود که بتواند در برگرفته تمام نیازهای انسان و مسائل و الگوها و خطوط عملی زندگی انسان باشد.